

تفاوت‌های تربیت دینی و سکولار در تحقق نگاه تمدنی

هاجر صیادی^۱

چکیده

تمدن‌های بشری با تکیه بر دو رکن اصلی، تربیت و آموزش رشد کرده و به پیشرفت رسیده‌اند. این مقاله به بررسی تفاوت‌های اصلی میان تربیت دینی و تربیت سکولار در چارچوب نگاه تمدنی می‌پردازد و با طرح این سوال که «کدام نوع تربیت می‌تواند در ساخت تمدن آینده موثرتر باشد؟» اهداف و چالش‌های هر رویکرد تربیتی را تحلیل می‌کند. روش تحقیق این پژوهش، به صورت توصیفی-تحلیلی و با رویکرد مقایسه‌ای به نمونه‌های تاریخی تمدن‌ها و محتوای تربیتی آنهاست. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تربیت دینی، با تأکید بر اخلاق و معنویت و تربیت سکولار، با محوریت علم و عقلانیت هر یک تأثیرات مثبتی بر جوامع داشته‌اند؛ اما هر دو نیز با چالش‌هایی در دنیای مدرن روبه‌رو هستند. در پایان، مقاله پیشنهادهایی به منظور ایجاد تربیتی جامع و موثر در ساخت تمدن آینده ارائه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، تربیت سکولار، نگاه تمدنی

^۱ طلبه مدرسه علمیه حضرت ام البنین (س) دلوار

مقدمه

در طول تاریخ، تمدن‌های بشری با تکیه بر دو رکن اصلی تربیت و آموزش رشد کرده و به پیشرفت رسیده‌اند. تربیت، به‌عنوان فرآیندی مستمر برای شکل‌دهی به ذهن، اخلاق، و رفتار فرد، نقشی حیاتی در ساخت و توسعه جوامع ایفا کرده است. این فرآیند نه تنها بر کیفیت زندگی فردی تأثیر می‌گذارد، بلکه در شکل‌گیری ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی نیز نقشی تعیین‌کننده دارد. از این‌رو، بررسی رویکردهای مختلف تربیتی و تأثیر آنها بر تمدن‌سازی، موضوعی مهم و مورد توجه در مطالعات تاریخی و اجتماعی است (احمدی، ۲۰۲۳).

تربیت دینی و تربیت سکولار دو رویکرد اصلی در این زمینه هستند که هر یک به‌طور ویژه‌ای در شکل‌دهی به شخصیت فرد و جامعه تأثیرگذار بوده‌اند. تربیت دینی بر اساس اصول و آموزه‌های مذهبی بنا شده و هدف آن تربیت انسان‌هایی است که علاوه بر رشد اخلاقی، به تقرب الهی و پرورش روحانی نیز دست یابند. در این نوع تربیت، مفاهیمی همچون ایمان، تقوا و مسئولیت‌پذیری در برابر خدا و جامعه، ارکان اصلی هستند و فرد به‌عنوان موجودی با مسئولیت‌های الهی و اجتماعی تربیت می‌شود (غذیری^۲، ۲۰۲۱). تربیت دینی، به‌ویژه در جوامع اسلامی، یهودی و مسیحی، تأثیر عمیقی بر فرهنگ و تمدن گذاشته است. به‌عنوان مثال، در تمدن اسلامی، تربیت دینی نقشی کلیدی در تقویت هویت فرهنگی و رشد علمی داشته و بسیاری از دانشمندان و فلاسفه اسلامی، تربیت خود را مدیون آموزه‌های دینی بوده‌اند.

از سوی دیگر، تربیت سکولار، که بیشتر پس از عصر روشنگری در غرب مطرح شد، بر اساس عقلانیت و تجربه بشری استوار است و تأکید آن بر جدا کردن آموزش از آموزه‌های مذهبی و تمرکز بر علم، حقوق فردی و آزادی‌های انسانی است (گیدنز^۳، ۱۳۸۶: ۵۴). این رویکرد با هدف پرورش افرادی مستقل، آزاداندیش و خردمند به وجود آمد که بتوانند بدون وابستگی به اصول دینی، مسیر زندگی خود را انتخاب کرده و در جامعه نقش فعالی ایفا کنند. تربیت سکولار در دوره‌های مدرن به‌ویژه در غرب، نقشی مهم در پیشرفت‌های علمی، صنعتی و اجتماعی ایفا کرده است. انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های تکنولوژیک قرن نوزدهم، از جمله دستاوردهای بارز تربیت سکولار هستند که توانستند جوامع غربی را به‌سوی توسعه سریع و گسترده سوق دهند (ساجدی، ۱۳۹۴).

با توجه به این دو رویکرد اساسی، این سؤال مطرح می‌شود که کدام نوع تربیت، دینی یا سکولار، نقش مؤثرتری در تمدن‌سازی دارد؟ هر یک از این رویکردها با ارائه ارزش‌ها و مفاهیم خاص خود، به نتایج متفاوتی در جوامع مختلف منجر شده‌اند. تربیت دینی با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و معنوی، پیوندی عمیق با هویت

²Ghadiri

³ Giddens

فرهنگی و اجتماعی افراد برقرار می‌کند، در حالی که تربیت سکولار با تمرکز بر پیشرفت علمی و حقوق فردی، به افزایش استقلال فکری و آزادی‌های مدنی منجر می‌شود.

تعریف و مفهوم تربیت دینی

تربیت دینی به معنای فرآیند آموزش و پرورش فرد بر اساس اصول و آموزه‌های مذهبی است که هدف آن رشد و تعالی فرد از منظر اخلاقی، معنوی، و دینی است. این نوع تربیت به تربیت جنبه‌های مختلف وجود انسان همچون روح، عقل، و نفس توجه دارد و به دنبال ایجاد تعادلی میان نیازهای مادی و معنوی فرد است. تربیت دینی فرد را به درک عمیق‌تر از معنای زندگی و مسئولیت‌های دینی، اجتماعی و فردی خود هدایت می‌کند. این نوع تربیت معمولاً در بستر نهادهای دینی، خانواده، و نهادهای آموزشی مذهبی شکل می‌گیرد و همواره با هدف تقویت رابطه فرد با خداوند و پیروی از ارزش‌های الهی انجام می‌شود (مطهری، ۱۳۸۶: ۴۵۳).

از دیدگاه تربیت دینی، انسان موجودی است که دارای روح و نفس است و بنابراین علاوه بر نیازهای مادی، نیازهای معنوی و اخلاقی نیز دارد که باید در جریان تربیت مورد توجه قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین اصول تربیت دینی، این است که انسان موجودی هدفمند و معنادار است و زندگی او تنها به لذت‌های دنیوی و مادی محدود نمی‌شود، بلکه هدف اصلی او رسیدن به کمال و تقرب به خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۸۲). در این راستا، تربیت دینی بر تزکیه نفس، تقویت ایمان، و پیروی از اصول اخلاقی مانند عدالت، محبت، صداقت و وفاداری تأکید می‌کند. از منظر آموزه‌های اسلامی، تربیت دینی ابزاری است برای رساندن انسان به مقام خلیفه‌اللهی، به این معنا که فرد به جایگاه اخلاقی و معنوی‌ای دست یابد که در آن بتواند به عنوان نماینده خداوند در زمین عمل کند (مطهری، ۱۳۸۶: ۴۵۵). قرآن کریم و روایات اسلامی همواره به اهمیت تربیت دینی و نقش آن در ساختن انسان‌های صالح و مسئول اشاره کرده‌اند. در این راستا، آیات قرآن از جمله آیاتی که به مسئله «تزکیه» و «تعلیم» می‌پردازد، به عنوان مبنای تربیت دینی مطرح می‌شوند؛ مانند آیه «قد أفلح من زكاه» که به اهمیت پاکسازی نفس و تزکیه در فرآیند تربیتی اشاره دارد.

همچنین، در تربیت دینی توجه ویژه‌ای به نقش والدین، معلمان و مربیان دینی به عنوان الگوهای رفتاری وجود دارد. این الگوها باید نه تنها خود به اصول دینی پایبند باشند، بلکه در انتقال این ارزش‌ها به نسل‌های بعدی نیز کوشا باشند. خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی که فرد با آن مواجه می‌شود، نقشی محوری در تربیت دینی دارد و پایه‌گذار اصلی شخصیت و نگرش‌های دینی فرد است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۵۶). در مقابل رویکردهای مادی‌گرایانه و سکولار که بیشتر بر جنبه‌های علمی و تجربی زندگی تأکید می‌کنند، تربیت دینی

به جنبه‌های متعالی و فرازمینی حیات انسان توجه دارد و تلاش می‌کند تا علاوه بر پرورش عقلانی و جسمی، زمینه‌های رشد روحی و معنوی را نیز فراهم کند. این نوع تربیت انسان را به‌عنوان موجودی دینی و اخلاقی در نظر می‌گیرد که باید از طریق رعایت دستورات دینی و انجام عبادات، به خداوند تقرب پیدا کند و در این راستا نقش فعالی در جامعه ایفا کند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۸۰).

در نهایت، تربیت دینی علاوه بر تقویت ارتباط فرد با خداوند، به ایجاد همبستگی و همدلی در جامعه نیز کمک می‌کند. آموزه‌های دینی بر اصولی همچون عدالت، محبت، و احترام به حقوق دیگران تأکید دارند که می‌تواند به تقویت روابط اجتماعی و اخلاقی منجر شود و در نتیجه به ساختار اجتماعی سالم‌تر و پایدارتر کمک کند.

تعریف و مفهوم تربیت سکولار

تربیت سکولار به نوعی از آموزش و پرورش اشاره دارد که در آن نظام آموزشی و تربیتی از آموزه‌های مذهبی جدا شده و بر اساس اصول عقلانی، تجربی و علمی بنا شده است. این نوع تربیت بر استقلال فرد از نظام‌های دینی و تمرکز بر رشد فکری، علمی و اجتماعی او تأکید دارد. هدف تربیت سکولار، پرورش انسان‌هایی مستقل، خلاق و مسئول است که بتوانند بدون تکیه بر آموزه‌های دینی، تصمیمات آگاهانه و عقلانی بگیرند و در جامعه به‌عنوان شهروندانی فعال و مؤثر عمل کنند (موسوی، ۱۴۰۱: ۱۱۲). در تربیت سکولار، تأکید بر حقوق فردی، آزادی‌های شخصی و توانمندی‌های علمی و فنی است. این نوع تربیت با جدایی دین از عرصه‌های آموزشی و اجتماعی، به دنبال آن است که انسان‌ها را از منظر تجربی و عقلانی پرورش دهد. در این رویکرد، تربیت نه بر اساس اعتقادات مذهبی بلکه بر اساس شناخت علمی و ارزش‌های انسانی همچون حقوق بشر، برابری و عدالت اجتماعی انجام می‌شود (گوتمن^۵، ۱۹۸۷: ۴۲). به این معنا، تربیت سکولار به دنبال تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاقیت و استقلال فکری است تا فرد بتواند در جامعه مدرن و پیچیده امروزی به‌صورت کارآمد و مؤثر عمل کند. تربیت سکولار از دوران روشنگری در اروپا به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفت. در این دوران، با رشد اندیشه‌های فلسفی و علمی، مفاهیمی همچون عقلانیت و تجربه‌گرایی جایگزین آموزه‌های دینی در حوزه آموزش شد. فیلسوفانی مانند جان لاک و ژان ژاک روسو از نخستین متفکرانی بودند که بر اهمیت جدا کردن دین از آموزش تأکید داشتند و بر این باور بودند که آموزش باید بر پایه عقل و تجربه بنا شود (لاک^۶، ۱۳۹۸: ۱۱۵؛ ۴۲؛ روسو^۷، ۱۳۹۶: ۲۳۴). از نظر لاک، انسان به‌طور طبیعی

^۵ Amy Gutmann

^۶ John Locke

^۷ Rousseau

دارای عقل و قابلیت تفکر است و آموزش باید به گونه‌ای باشد که این ظرفیت‌های طبیعی را تقویت کند (لاک، ۱۳۹۸: ۴۵). یکی از اصول محوری در تربیت سکولار، بی‌طرفی نسبت به مسائل مذهبی است. این نوع تربیت به افراد این امکان را می‌دهد که آزادانه انتخاب کنند و به جهان‌بینی خاصی وابسته نباشند. به عبارت دیگر، تربیت سکولار به دنبال آن است که فرد را بدون هیچ‌گونه الزام مذهبی پرورش دهد و در عین حال به او مهارت‌ها و دانش لازم برای مشارکت در جامعه مدرن را بیاموزد (موسوی، ۱۴۰۱: ۱۱۲). این دیدگاه در کشورهای غربی، به‌ویژه پس از انقلاب صنعتی، به دلیل نیاز به نیروی کار ماهر و متخصص، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و مدارس و دانشگاه‌ها با تأکید بر علوم تجربی و فنی به مراکزی برای تربیت نسل‌های جدید تبدیل شدند. در تربیت سکولار، ارزش‌هایی همچون حقوق بشر، دموکراسی، عدالت اجتماعی و آزادی‌های فردی جایگزین آموزه‌های مذهبی می‌شوند. هدف اصلی، تربیت انسان‌هایی است که بتوانند در جامعه مدرن با چالش‌های علمی، تکنولوژیکی و اجتماعی روبه‌رو شوند و نقش فعالی در حل مسائل و پیشرفت جامعه ایفا کنند. تربیت سکولار بر این باور است که انسان‌ها باید خود به طور مستقل قادر به یافتن معنای زندگی و تعیین اهداف خود باشند، بدون این‌که به آموزه‌های دینی متکی شوند (آرنولد^۸، به نقل از هگلوند^۹، ۱۳۹۱: ۲۳).

یکی از نتایج تربیت سکولار، پیشرفت علمی و تکنولوژیکی قابل توجه در جوامع غربی بوده است. با تمرکز بر علوم و فناوری‌های جدید، جوامع سکولار توانسته‌اند به سرعت به رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی دست یابند. انقلاب صنعتی نمونه‌ای بارز از تأثیر تربیت سکولار بر تغییرات ساختاری و پیشرفت‌های فناورانه است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۴). همچنین، تربیت سکولار به تقویت حقوق فردی و دموکراسی کمک کرده است، چرا که این نوع تربیت بر اهمیت آزادی‌های فردی و توانایی تفکر مستقل تأکید دارد (فوکو، ۱۳۹۷: ۲۹۲). با این حال، تربیت سکولار با برخی چالش‌ها نیز مواجه است. از جمله مهم‌ترین انتقادات به تربیت سکولار، این است که با تمرکز بیش از حد بر علوم تجربی و عقلانیت، ممکن است به تضعیف جنبه‌های اخلاقی و معنوی انسان منجر شود. برخی منتقدان معتقدند که تربیت سکولار ممکن است فرد را از ارزش‌های انسانی و اجتماعی مانند همبستگی، همکاری و اخلاقیات دور کند و به فردگرایی افراطی منجر شود (کیملیکا^{۱۰}، ۱۹۹۵: ۸۴). در مجموع، تربیت سکولار به دنبال پرورش انسان‌هایی است که توانایی استفاده از عقل و تجربه را داشته باشند و در عین حال به آزادی‌های فردی پایبند باشند. این نوع تربیت نقشی کلیدی در توسعه جوامع

^۸ Matthew Arnold

^۹ Martin Hagglund

^{۱۰} Will Kymlica

بحران‌های اخلاقی رو به رشد است، ارزش‌های اخلاقی دینی می‌توانند به‌عنوان مبنای حفظ تعهدات اخلاقی و انسانی عمل کنند (نصر، ۱۹۹۴: ۱۹۹).

۲. تربیت سکولار و آینده تمدنی

در مقابل، تربیت سکولار به‌ویژه در جوامع صنعتی و پسا صنعتی، به دلیل تأکید بر علم، فناوری و عقلانیت، می‌تواند در شکل‌دهی تمدن‌های آینده بسیار مؤثر باشد. تربیت سکولار با تکیه بر پیشرفت‌های علمی و عقلانی، می‌تواند پاسخگوی چالش‌های پیچیده‌تری نظیر تغییرات اقلیمی، پیشرفت‌های فناوری، و نیاز به توسعه پایدار باشد. از این رو، در جوامعی که به دنبال راه‌حل‌های علمی برای مسائل جهانی هستند، تربیت سکولار به‌عنوان یک نیروی اصلی در توسعه آینده تمدن‌ها نقش خواهد داشت (۶، ۲۰۰۶). با این حال، یکی از چالش‌های تربیت سکولار کاهش ارتباطات انسانی و اخلاقی باشد. از آنجا که این نوع تربیت بیشتر بر فردگرایی و آزادی فردی تأکید دارد، همبستگی اجتماعی در آن کاهش می‌یابد و افراد در جامعه بیشتر به دنبال منافع شخصی باشند تا به منافع جمعی.

۳. ترکیب دو نگاه: آینده‌پژوهی جامع‌تر

در نهایت، تمدن آینده احتمالاً نیازمند یک ترکیب متعادل از هر دو نوع تربیت دینی و سکولار خواهد بود. ترکیب ارزش‌های اخلاقی قوی و پیوندهای اجتماعی که تربیت دینی فراهم می‌کند، با پیشرفت‌های علمی تربیت سکولار می‌تواند به ایجاد تمدنی متعادل‌تر، اخلاقی‌تر و کارآمدتر کمک کند. چالش اصلی جوامع آینده، یافتن راه‌هایی برای هماهنگی بین این دو رویکرد است تا از مزایای هر دو بهره‌برداری شود و از معایب هر یک اجتناب گردد.

راهکارهایی برای همگرایی دو رویکرد

همگرایی دو رویکرد تربیت دینی و سکولار می‌تواند به ایجاد یک ساختار تربیتی متوازن کمک کند که هم نیازهای معنوی و هم نیازهای علمی و عقلانی جامعه را تأمین کند. در این بخش، به چند راهکار اشاره می‌کنیم:

تلفیق آموزه‌های اخلاقی و معنوی با علوم مدرن: یکی از مهم‌ترین راهکارها برای همگرایی این دو رویکرد، تلفیق آموزه‌های دینی با مفاهیم علمی و تجربی است. برای مثال، می‌توان از ارزش‌های اخلاقی و معنوی دینی در آموزش مباحث علمی و تجربی استفاده کرد تا تعادلی میان رشد اخلاقی و علمی به‌وجود آید (مطهری، ۱۳۸۶: ۷۸).

آموزش تفکر انتقادی و اخلاقی به‌صورت مشترک: تربیت دینی و سکولار هر دو باید به آموزش تفکر انتقادی بپردازند. اما این آموزش باید همراه با اصول اخلاقی باشد. با تأکید بر تفکر انتقادی در مسائل دینی و علمی، می‌توان افراد را به خودآگاهی بیشتری رساند و از افراط در هر دو سمت جلوگیری کرد (روسو، ۱۳۹۶).

همکاری بین نهادهای دینی و علمی: نهادهای آموزشی دینی و سکولار می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند و برنامه‌های تربیتی مشترکی طراحی نمایند که به نیازهای روحی و عقلانی نسل جدید پاسخ دهد. برای مثال، مدارس و دانشگاه‌ها می‌توانند برنامه‌های درسی را به گونه‌ای تدوین کنند که هر دو نوع تربیت را شامل شود (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۸).

بازتعریف ارزش‌های مشترک انسانی: تربیت دینی و سکولار می‌توانند در چارچوب ارزش‌های مشترک انسانی مانند عدالت، آزادی و همبستگی با یکدیگر همسو شوند. هر دو رویکرد می‌توانند از این ارزش‌ها بهره‌برداری کنند و اختلافات را به حداقل برسانند (تویسرکانی، ۱۳۹۲).

پرورش فرهنگ گفت‌وگو و همزیستی مسالمت‌آمیز: ایجاد فضای گفت‌وگو میان حامیان تربیت دینی و سکولار یکی از راهکارهای مؤثر برای همگرایی است. این گفت‌وگوها می‌توانند به رفع سوء تفاهم‌ها و ارائه راه‌حل‌های مشترک برای چالش‌های معاصر کمک کنند (دیویی، ۱۹۱۶: ۸۷).

اگر تربیت دینی را محدود به تربیت اسلامی کنیم می‌توان گفت تربیت اسلامی و سکولار دارای مبانی فکری و ارزش‌های بنیادین متفاوتی هستند که همگرایی کامل آن‌ها دشوار است. این دو رویکرد در اهداف، اصول و نوع نگاه به انسان و جامعه تفاوت‌های بنیادینی دارند؛ تربیت اسلامی بر اساس ارزش‌های دینی و اخلاقی خاص و با هدف تقویت هویت اسلامی و ارتباط با خداوند استوار است، در حالی که تربیت سکولار به مبانی عقلانی و فردگرایی مدرن تکیه دارد و به ارزش‌هایی همچون استقلال فردی و پیشرفت علمی و تکنولوژیک تأکید می‌کند (عبدالله^{۲۱} و همکاران، ۲۰۰۶؛ سیاح، ۲۰۱۶). بنابراین، به جای تلاش برای همگرایی کامل، می‌توان تمرکز را بر ایجاد تعامل و گفت‌وگو میان این دو رویکرد گذاشت. این امر می‌تواند به شکل ترکیبی از روش‌های آموزشی صورت گیرد که بدون از دست دادن هویت دینی، به نحوی انعطاف‌پذیر با دنیای مدرن نیز سازگار باشد.

نتیجه‌گیری

در بررسی تفاوت‌ها و تأثیرات تربیت دینی و سکولار بر ساختار تمدنی، روشن شد که هر دو رویکرد می‌توانند نقش مؤثری در شکل‌دهی به جوامع ایفا کنند، اما نقاط ضعف و قوت مخصوص به خود را دارند. تربیت دینی با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و معنوی، انسان‌هایی متعهد و پایبند به اصول الهی تربیت می‌کند، اما ممکن است در مواجهه با تحولات علمی و تکنولوژیک انعطاف‌پذیری کمتری داشته باشد. از سوی دیگر، تربیت سکولار با توجه به اصول علمی و عقلانی، زمینه‌ساز پیشرفت‌های تکنولوژیک و اجتماعی است، اما در حوزه‌های اخلاقی و معنوی دچار کاستی می‌شود (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۵؛ مطهری، ۱۳۸۶: ۸۵).

برای ساخت تمدنی جامع و پایدار در آینده، همگرایی این دو نوع تربیت ضروری به نظر می‌رسد. تربیت دینی با تقویت ارزش‌های اخلاقی و معنوی می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای با اصول اخلاقی مستحکم کمک کند،

²¹ Abdalla, M, Chown, D, & Afzal, M

درحالی که تربیت سکولار با تأکید بر علم و تکنولوژی، پایه‌های تمدنی پیشرفته و مدرن را فراهم می‌کند. آینده‌پژوهی نشان می‌دهد که در شرایط پیچیده جهان معاصر، تلفیق این دو نوع تربیت می‌تواند به جوامعی متوازن و جامع منجر شود که هم از دستاوردهای علمی بهره‌مند شوند و هم به ارزش‌های معنوی پایبند بمانند (روسو، ۱۳۹۶؛ گیدنز، ۱۹۱۶: ۳۵). تربیت دینی، به‌ویژه در قالب تربیت اسلامی، بر اصولی چون عدالت، همبستگی اجتماعی و علم‌آموزی تأکید دارد که می‌تواند به ساخت تمدن‌های پایدار و متعادل کمک کند (نصر، ۱۳۷۰). این نوع تربیت نه تنها بر ابعاد معنوی و اخلاقی تأکید دارد، بلکه به دنبال پرورش افراد با توانایی‌های علمی و فرهنگی نیز هست تا بتوانند در جامعه نقش مؤثری ایفا کنند (العطاس، ۱۹۷۹). تربیت اسلامی و سکولار دارای مبانی فکری و ارزش‌های بنیادین متفاوتی هستند که همگرایی کامل آن‌ها ممکن نیست. این دو رویکرد در اهداف، اصول و نوع نگاه به انسان و جامعه تفاوت‌های بنیادینی دارند؛ تربیت اسلامی بر اساس ارزش‌های دینی و اخلاقی خاص و با هدف تقویت هویت اسلامی و ارتباط با خداوند استوار است، در حالی که تربیت سکولار به مبانی عقلانی و فردگرایی مدرن تکیه دارد و به ارزش‌هایی همچون استقلال فردی و پیشرفت علمی و تکنولوژیک تأکید می‌کند.

بنابراین، برای تحقق یک نگاه تمدنی جامع، ضروری است که از نقاط قوت هر دو نوع تربیت استفاده شود. اما اگر تربیت دینی را محدود به تربیت اسلامی کنیم، از آنجا اسلام به پیشرفت هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی توجه دارد، تنها با عمل به سفارش‌های موکد دین اسلام بر علم‌اندوزی و استفاده از فناوری‌ها و روش‌های آموزشی مدرن (استفاده از ابزارها و پلتفرم‌های دیجیتال برای آموزش و یادگیری، مانند دوره‌های آنلاین و منابع چندرسانه‌ای، روش‌های آموزشی مدرن: رویکردهایی که بر یادگیری فعال، تفکر انتقادی و همکاری تأکید دارند) می‌تواند زمینه‌ساز تمدن اسلامی بزرگی باشد که کاستی‌های تمدن سکولار غرب را ندارد و تنها راه نجات بشریت از آسیب‌های دهشتناک تمدن سکولار نیز است.

منابع

*قرآن کریم

۱. بهشتی، سعید و ناظر حسین‌آبادی، مسلم. (۱۳۹۱). تبیین دیدگاه تربیت عرفانی بر مبنای حکمت سینوی (مفهوم، اهداف، مراحل)، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیستم، شماره ۱۴، ص ۹۵-۱۱۴.
۲. حبیبی، رضا. (۱۳۹۴). مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه آیت الله جوادی آملی. حکمت اسراء، ۷(۳) (پیاپی ۲۵)، ۶۷-۹۷.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). حیات حقیقی انسان در قرآن، قم، انتشارات اسراء.
۴. اسپنگلر، او (۱۹۳۴). انحطاط غرب. نیویورک: انتشارات دانشگاهی.
۵. برگر، پیترو. (۲۰۰۸). تاریخ فلسفه یهودی. نیویورک: انتشارات دانشگاهی.
۶. برگر، پیترو لودویگ و لاکمن، توماس. (۲۰۰۸). مدرنیته، کثرت‌گرایی و بحران معنا. (ترجمه ابوالفضل مرشدی). تهران: نشر ثالث

۷. علامه فلسفی، احمد. (۱۳۹۹). سقراط. تهران: انتشارات فراروان‌شناسی
۸. پارسانیا، حمید. (۱۴۰۱). علم و فلسفه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. رفیعی‌شمس‌آبادی، محمدحسین. (۱۳۹۹). نخبگان و تمدن‌سازی اسلامی. تهران: انتشارات تراث
۱۰. توین‌بی، آرنولد. (۱۳۹۵). مطالعه تاریخ. (محمدحسین آریا، مترجم). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۱۱. هانتینگتون، ساموئل فیلیپس. (۱۳۷۹). برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۱۲. دوورژه، موریس. (۱۳۵۷). تاریخ و تحول جوامع غربی. (رضا علوم‌ی: مترجم). تهران: موسسه عالی علوم سیاسی و امور حزبی
۱۳. دورکیم، امیل. (۱۳۹۲). تربیت و جامعه‌شناسی. (فریدون سرمد، مترجم). تهران: انتشارات کندوکاو.
۱۴. روسو، ژان ژاک. (۱۳۹۶). امیل یا آموزش و پرورش. (عنایت‌الله شکیباپور، مترجم). تهران: دنیای کتاب.
۱۵. هانله نیمی، جری مولتیسیلتا، لاسه لیپونن، ماریانا ویویتسو. (۱۴۰۱). نوآوری‌ها و فناوری‌های آموزشی در مدارس فنلاندی. (سیدحسین رضوی خوسفی: مترجم). تهران: انتشارات تیک
۱۶. ساجدی، امیر. (۱۳۹۴). جایگاه و کارویژه‌های سکولاریسم در غرب و جهان اسلام، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۳۱، مرداد ۱۳۹۴، صفحه ۴۹-۹۲
۱۷. فوکو، میشل. (۱۳۹۷). مراقبت و تنبیه، تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و حسن جهان‌دیده، نشر نی.
۱۸. شریعتی، علی. (۱۳۸۴). امت و امامت، تهران: سپیده قلم
۱۹. معلم، ملیحه. (۱۳۹۶). آیین بودا. تهران: انتشارات سمت.
۲۰. کرمی، سعید. (۲۰۰۳). سکولاریسم: خاستگاه، مبانی، مولفه‌ها. انتشارات: امیرکبیر
۲۱. سراج‌زاده، حسین. (۱۳۸۳). چالش‌های دین و مدرنیته، تهران: انتشارات طرح نو.
۲۲. کیملیکا، ویل. (۱۴۰۲). شهروندی چند فرهنگی. (ابراهیم اسکافی، مترجم). تهران: انتشارات شیرازه.
۲۳. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). سوسیالوژی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی
۲۴. لاک، جان. (۱۳۹۸). نامه‌ای در باب تساهل، (شیرزاد گلشاهی کریم، مترجم). تهران: نشر نی
۲۵. کریل، گلسنر هرلی. (۱۹۸۴). کنفوسیوس و طریقه چینی. (گیتی وزیری، مترجم). تهران: انتشارات سینا.
۲۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
۲۷. موسوی، محمدتقی. (۱۴۰۱). تربیت سکولار از دیدگاه صاحب‌نظران. تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
۲۸. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۱). اخلاق در قرآن. تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۹. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۰). اخلاق در قرآن. تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۰. نصر، سید حسین. (۱۳۷۰). علم و تمدن در اسلام. (احمد آرام، مترجم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۱. غزالی، محمد(بی‌تا). احیاء علوم الدین، ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی بکوشش حسین خدیو جم، تهران.
۳۲. غزالی، محمد(۱۳۶۲). مکاتیب فارسی غزالی، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- Al-Attas, S. M. N. (1979). Aims and Objectives of Islamic Education. Hodder and Stoughton.
- Abdalla, M., Chown, D., & Afzal, M. (2006). Islamic Education: Opportunities and Challenges. MDPI Education Sciences.
- Ahmadi, A. (2023). The role of islamic ethical values in economy growth. Hikmet Dernegi.
- Dewey, John .(1916). Democracy and Education: An Introduction to the philosophy of Education . New York: Macmillan.
- Grant,C, A Note on Secular Education in Nineteenth Century, at British Journal of Educational Studies, vol. 16. No. 3, pp 308-317, 1968
- Ghadiri, G. (2021). Educational teachings of internal tendencies, Islamic jurisprudence and its strategic role in international societies. Kufa Journal of Arts, 1(41), 461-478
- Gutmann, Amy. (1987). Democratic Education. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Kymlica, Will.(1995).Multicultur Citizenship: A Liberal Theory of Minority Right. Oxford University Press.
- Sardar, Z. (2008). Islam, Postmodernism and Other Futures: A Ziauddin Sardar Reader. Pluto Press.
- Syah, M. Noor Sulaiman. (2016). Challenges of Islamic Education in the Muslim World. QIJIS: Qudus International Journal of Islamic Studies, Volume 4, Issue 1, February 2016.